



موافقت رهبری با عفو ۲ هزار و ۱۲۷ محکوم

به مناسبت سال نو و عید سعید فطر، مقام رهبری با درخواست رئیس قوه قضائیه برای عفو، تخفیف و تبدیل مجازات بیش از دو هزار نفر از محکومان محاکم موافقت کردند. در همین رابطه صادق رحیمی، معاون قضایی قوه قضائیه گفت: «در این مرحله اسامی ۲ هزار و ۱۲۷ نفر که شرایط استحقاق عفو را داشتند و پرونده آن‌ها در کمیسیون عفو و بخشودگی بررسی شده بود با تایید ریاست قوه قضائیه به محضر مقام معظم رهبری اعلام و در نهایت عفو آن‌ها مورد موافقت ایشان قرار گرفت.» او همچنین گفت: «۲۹ نفر از افرادی که در این دوره مشمول عفو شده‌اند، مجازات قطعی آن‌ها اعدام بود که با تخفیف، مجازات آن‌ها به حبس تغییر کرده است. ۵ نفر از افراد مشمول عفو نیز محکومان ماده ۲۰ هستند که شرایط اولیه عفو را نداشته‌اند و رئیس قوه قضائیه رأساً عفو آن‌ها را درخواست کرده است. هزار و ۹۹۱ مورد نیز سایر محکومان دادگستری‌ها بوده‌اند. ۲ نفر از افراد مشمول عفو از محکومان سازمان قضایی نیروهای مسلح و ۱۰۰ نفر از محکومان سازمان تعزیرات حکومتی هستند. در این مرحله ۱۵۶ نفر از محکومان مشمول عفو از محکومان زن، ۵ نفر اتباع بیگانه، ۱۱ نفر محکومان امنیتی و ۵ نفر زیر ۱۸ سال هستند.»

عکس: آرش خاموشی، هم‌پیمان



امیدآفرینی ملاک انقلابی بودن است

سیدابراهیم رئیسی، در دیدار با نمایندگان تشکل‌ها، جنبش‌ها و فعالان دانشجویی گفت: «بالاترین میزان حضور دولتمردان در دانشگاه‌ها در تاریخ پس از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط به دولت سیزدهم است که نشان از اهمیت جایگاه دانشگاه و دانشجویان در این دولت دارد. استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و محافل دانشجویی به‌عنوان سرمایه‌های ارزشمند کشور در دستور کار دولت است و همانطور که اقدامات دولت در همه بخش‌ها مستند به اسناد علمی و پژوهشی است، دولت نهاد دانشگاه را اتاق فکر و پشتوانه علمی و پژوهشی خود می‌داند.» او همچنین گفت: «امروز با توجه به تلاش دشمن برای ناامیدسازی مردم به‌ویژه نسل جوان ملاک و معیار وطن‌دوستی و انقلابی بودن، امیدآفرینی در مقابل یأس‌آفرینی است و ما یقین داریم با اتکا به مردم و جوانان بانگیزه، با اراده و حاضر در صحنه خواهیم توانست بر بسیاری از مشکلات غلبه کنیم.»



سفرهای نوروزی انتقام سخت بود

سالار ولایت‌مدار، منتخب مجلس دوازدهم از حوزه قزوین در سخنرانی روز قدس گفت: «سروران گرامی، سوال می‌کنند تا کی؟ چرا انتقام سخت صورت نمی‌گیرد؟ چرا یک عده دارند اینقدر مسئله را کوچک می‌کنند و می‌خواهند مستقیم ما را وارد صحنه درگیری کنند.» او ادامه داد: «در ایام نوروز، ۲۶۰ میلیون سفر ثبت می‌شود؛ مردم در آرامش و آسایش و تفریح در حال مضمحل کردن کفر هستند. این انتقام سخت نیست؟ مومنین، حواس‌مان جمع باشد. دشمن می‌خواهد صحنه بازی را تغییر دهد.»



تحلیل
سردبیر

ریشه دوقطبی‌ها در جامعه ایران

گفت‌وگوی روزنامه الاخبار لبنان با محمدجواد روح درباره روند تحولات پس از جنگ

اما بی‌نتیجه می‌ماند و حالا می‌بیند موازنه قوا به شکلی نیست که بتواند با ابزارهای متعارف ایستادگی کند و وقتی هم که در انتخابات شرکت نمی‌کند طرف مقابل تندتر می‌شود و یکدستی شکل می‌گیرد. در داخل کشور اعتراضاتی مانند آنچه در سال ۱۴۰۱ رخ داد، نشان از چنین رخدادی است. نهادهای مدنی، دانشگاه‌ها و اخراج اساتید در پی بروز چنین شرایطی تشدید می‌شود، اینترنت وضعیت بدتر از دوران روحانی پیدا می‌کند. به عبارتی نه انتخابات دیگر آن مفهوم را برای مردم دارد و نه حتی اعتراض خیابانی برای آنها نتیجه‌بخش است. بخش وسیعی از مردم دچار سرگشتگی شده‌اند. البته یک بخشی که من هم جزء آنها هستم به‌رغم سخت و دشوار بودن مسیر اصلاحات و حتی انتخابات چاره‌ای جز بای فشردن بر این مسیر نمی‌بینند. یعنی برای اینکه فضای حکومت از این چیزی که هست، تندتر نشود و از سوی دیگر جامعه خشمگین تر نشود از حالت بیگانگی و سرخوردگی به حالت ستیز نرسد و در دوسوی اتفاقات تندروها قرار نگیرند یعنی در یک سو در بهترین حالت سلطنت‌طلب‌ها حضور دارند و در بدترین حالت مجاهدین خلق قرار می‌گیرند و در سوی دیگر تیپ‌هایی مانند پایداری و جریان‌های نظامی امنیتی قرار می‌گیرند. بر تداوم حضور تاکید داشتیم، ما در بیانیه «روزنه‌گشایی کنیم» سعی کردیم در این فضای دوقطبی، روزنه‌ای برای احیای سیاست ایجاد کنیم.

طبق شنیده‌هایی که دارم مطالبات مردم یکی دو تا نیست؛ لایه‌هایی از مطالبات مردمی وجود دارد اما این مطالبات منعکس‌کننده یک برنامه جامع نیست و معتقدند که اپوزیسیون داخل کشور هیچ مطالبه جامعی برای درخواست از حکومت ندارد و تصور این است که این شعارهایی که از اصلاحات می‌دهند، حقیقی نیست و اغراض دیگری از جمله رسیدن به پست و مقام را دنبال می‌کنند و اینکه بنا بر نوع نگاه شما چرا شما تغییر در ایران را منوط به تغییر سیاست خارجی عنوان می‌کنید؟ آیا اگر ایران دست از حمایت از شبه‌نظامیان در منطقه بردارد، وضعیت رفاه مردم بهبود پیدا می‌کند؟

درباره بحث اولی که مطرح کردید، نماینده عینی آن اپوزیسیونی که در داخل هستند، جریان اصلاحات است البته شاید بسیار گسترده‌تر باشند. شاید خروجی عملکرد آنها که سابقه حضور در قدرت در زمان آقای خاتمی بیشتر و در زمان آقای روحانی کمتر داشته‌اند، ایده آل جامعه نبوده است اما طبق شاخص‌های بین‌المللی، چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه سیاست خارجی و کاهش تنش در این حوزه، این ادوار قابل مقایسه با دوران دیگر که جریان اقتدارگرا کل قدرت را در اختیار داشته، نیست. چه آن زمان که احمدی‌نژاد که چهره پوپولیستی بود قدرت را در اختیار داشته و چه دوره اخیر که ادعای بازگشت نیروهای انقلابی به مدیریت وجود دارد. ضمن اینکه آن درآمد ارزی دوران احمدی‌نژاد و آن پول پاشی‌ها هم در کار نیست. تورم افسارگریخته و تعارضات و تنش‌های سیاست داخلی و خارجی هم از آثار چنین رویکردی است و به شکل فرسایشی و بدون نتیجه ادامه پیدا

را شاهد هستیم و به شکلی تعلق و تعطیلی سیاست رخ داده است. ریشه این مسئله را باید بعد از گذشت هبر فقید ایران جست‌وجو کرد. در این زمان دو گرایش اصلی در سطح کلان مدیریت کشور حضور داشتند که یکی از این گرایش‌ها به مرور تضعیف شد. یکی گرایش مبتنی بر توسعه محوری و اقتصاد که مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نماینده آن آقای هاشمی‌رفسنجانی بود و گرایش دوم، مبتنی بر امنیت بود. این گرایش بنا بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران اصل را بر امنیت و تقویت نیروهای امنیتی و تلاش برای گسترش آن به سطح منطقه قرار داد (که جبهه مقاومت هم ذیل همان تعریف می‌شود). البته این دو با هم تعارض صدرصدی نداشتند؛ یعنی آن طیفی که زیر نظر رهبری فعالیت می‌کردند بالاخره حداقل تا مقطع قابل قبولی مخالفتی با توسعه و بهبود شرایط اقتصادی و رشد اقتصادی نداشتند که سند چشم‌انداز ۲۰ ساله مؤیدی بر آن است. از طرفی هم طرفداران توسعه‌ی صدماتی با نهادهای نظامی و حتی فعالیت‌های برون‌مرزی نداشتند و مؤثر بر آن بودند. چنانچه آقای هاشمی خودش نماینده اسام در دوران جنگ بودند اما آن دیدگاه متمایزی که میان این دو بود، موجب شد یکی تضعیف و دیگری تقویت شود. چنانچه هر چه بیشتر به سمت تعارضات می‌روند، شکاف‌ها بیشتر می‌شود. دوم خرداد آن حوادثی که پیش آمد اختلافات را بین نیروهای درون قدرت تشدید کرد و عملاً موجب شد توسعه و امنیت در تقابل با هم قرار گیرد که اوج آن در دوران حسن روحانی بود که با مذاکرات در تلاش بودند مسئله هسته‌ای را حل کنند اما حتی با وجود حمایت رهبری هم این گرایش دوم در برابر آن ایستاد و در نهایت هم که مسئله ترامپ اتفاق افتاد و اینها دست بالا را پیدا کردند.

اگر این دوگانه در سطح سیاسی وجود داشت، در فضای جامعه و سطح اجتماعی نیز به تدریج به دلیل ناکامی‌ها، تعلق و گسست و پیوست‌هایی که اتفاق افتاد، تعارض و دوگانه‌ای بین انقلاب و زندگی ایجاد شد. به عبارتی بخشی از جامعه ایران ارزش‌های انقلابی و حتی ارزش‌های دینی که جمهوری اسلامی آن را نمایندگی می‌کند در برابر زندگی متعارف می‌بیند. شهروند ایرانی، امروز زندگی خود را با زندگی انگلیس و آمریکا مقایسه نمی‌کند بلکه زندگی‌اش را با زندگی مردم در کشورهای منطقه مانند عربستان، لبنان و ترکیه و... مقایسه می‌کند. مثلاً در لبنان و سوریه اینترنت فیلتر نیست و همین مسئله در ایران یکی از چالش‌ها و عوامل نارضایتی مردم است. همین شرایط هم موجب گرایش به سکولاریسم و حتی گرایش به ضدیت با دین شده است. این روند موجب شده که تعارض موجود در بخش‌هایی از جامعه به اعتراض بدل شود. مجموع این دو شکاف موجب ایجاد شکاف ایدئولوژی و تغییر می‌شود. به عبارتی آن بخش از جامعه که به دنبال تغییر است مجموعه نهادها، ارزش‌ها و ساختارهای حکومت و هر چه حکومت آن را شعار می‌دهد مانع تغییر و حتی زندگی معمولی خودش می‌داند. بنابراین در ادوار مختلف با شرکت در انتخابات با تعامل با سیستم به زعم خودش تلاش برای کاهش این شکاف می‌کند

گروه سیاسی: سال گذشته در روزهای پیش از انتخابات مجلس دوازدهم، ابراهیم امین، مدیر و سردبیر روزنامه الاخبار لبنان، هم‌زمان با نمایشگاه مطبوعات به ایران آمد و با حضور در دفتر روزنامه مصاحبه‌ای را درباره وضعیت سیاست داخلی و جامعه ایران و تصمیم‌گیری‌های ایران در سطح بین‌الملل با محمدجواد روح، سردبیر هم‌میهن انجام داد. در این مصاحبه ابراهیم امین از برداشتش درباره جامعه ایران و نگرانی‌هایش از گسست ایجاد شده میان مردم و حکومت گفت و در برابر روح هم به تشریح و تحلیل آنچه در فضای سیاسی، اجتماعی ایران طی ادوار گذشته رخ داده است، پرداخت. او در بخشی از این گفت‌وگو علت عدم استقبال جامعه ایران از چهره‌های مقاومت مانند سیدحسن نصرالله، دوقطبی ایجاد شده در جامعه و شکاف سیاسی حکومت و مردم دانسته است. متن این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

بعد از درگذشت رهبر فقید ایران، دو گرایش اصلی در سطح کلان مدیریت کشور حضور داشتند که یکی از این گرایش‌ها به مرور تضعیف شد. یکی گرایش مبتنی بر توسعه محوری و اقتصاد و گرایش امنیت بود

«برای شروع بحث ابتدا باید بگویم، طی ۱۰ سال اخیر من به وضعیت ایران توجه داشتم و وضعیت داخلی ایران به نظرم نگران‌کننده است. نمی‌دانم آیا فاصله‌ای که بین نظام مردم‌افزاده است، به چه دلیل است. آیا فاصله بین افکار انقلاب با مردم است یا به دلیل اختلاف مردم با حاکمان فعلی است. به نظر می‌آید اکثریت جامعه مخالف هستند اما نمی‌دانند چه می‌خواهند و در برابر، حاکمیت هم ضعیف نیست و مدافعان سرسختی دارد. نگرانی آن جاست که چنین برداشت می‌شود که مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند تغییری از طریق انتخابات شکل نمی‌گیرد. آمارهای اقتصادی نیز نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی ایران هم جالب نیست. چه تفسیری نسبت به این وضعیت دارید؟»

شکافی که به آن اشاره کردید، مسئله پنهانی نیست و حتی باید آن را چیزی فراتر از شکاف بدانیم. به‌عبارتی نوعی بیگانگی درون جامعه ایران شکل گرفته است و این اتفاق هم، رخدادی یک‌شبه نیست. در دوران اصلاحات که بیشترین مشارکت سیاسی - اجتماعی مردم در کشور شکل گرفت؛ من در روزنامه «نوروز» که مربوط به حزب مشارکت به‌عنوان اصلی‌ترین حزب همسو با آقای خاتمی بود، حضور داشتم و مطالبی با عنوان «مجمع‌الجزایر ایران» نوشتم که به نیروهایی با خواست‌های متفاوت و حتی متعارض در کشور اشاره کردم. از همان موقع این اختلافات مشخص بود اما با الان فرق دارد. الان اکثریت آن نیروی تغییرخواه به دنبال زیست سکولار هستند و اولویت را قدرت داشتن نهادهای انتخاباتی و دموکراتیک در قانون اساسی در برابر نهادهای انتصابی قرار داده است و به دنبال آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی است. این جمعیت از همان دهه ۷۰ با نوعی نیروی مقاومت رویه‌روی بود که هر بار به یک شکلی خود را نشان داده است. البته این مواجهه و مقاومت تا مقطعی در دوتیروری سیاسی بود و به مرور زمان و به‌ویژه از سال ۸۴ به بعد به مواجهه امنیتی و نظامی با جامعه تبدیل شد. براساس این روند، نیروهای سیاسی فقط در میان تغییرخواهان بلکه در میان سنت‌گرایان نیز تضعیف شدند و حالا به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دوگانگی بین جامعه و حکومت